

دانشگاه علامه طباطبایی

دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد آموزش و پرورش پیش از دبستان

عنوان:

" مقایسه ی خلاقیت کودکان پیش دبستانی تحت آموزش شیوه ی همنا

با کودکان پیش دبستانی مراکز عادی شهر تهران "

استاد راهنما:

خانم دکتر فرخنده مفیدی

استاد مشاور:

آقای دکتر یحیی مهاجر

استاد داور:

آقای دکتر احمد آقازاده

دانشجو:

سهیلا عظیم لو

سال تحصیلی ۱۳۹۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تشکر و قدردانی:

با سپاس فراوان از سرکار خانم دکتر مفیدی استاد راهنمای گرامی ام که در شکل گیری این پژوهش نقش اساسی داشتند و همچنین از جناب آقای دکتر مهاجر استاد مشاور محترم که در تجزیه و تحلیل و نتایج آماری دلسوزانه اینجانب را یاری نمودند.

تقدیم به پدر و مادرم که برای مطالعه ی این پژوهش لحظه شماری می کردند و

تقدیم به همسرم که مرا یاری می رساند.

## چکیده:

هدف کلی از پژوهش مقایسه‌ی خلاقیت کودکان پیش دبستانی تحت آموزش شیوه‌ی هم‌نوا با کودکان پیش دبستانی مراکز عادی شهر تهران می‌باشد. طرح تحقیق به صورت شبه آزمایش است. گروه آزمایش در معرض متغیر مستقل قرار می‌گیرند. در گروه کنترل مربیان با روش متداول به آموزش کودکان مرکز خود ادامه می‌دهند. ۲ جامعه‌ی آماری وجود دارد که شامل تمام کودکان موسسه‌ی هم‌نوا و کودکان تمام مراکز پیش دبستانی که از نظر هوش کودکان، وضعیت اقتصادی، تحصیلی والدین و تعداد فرزندانشان در سال تحصیلی ۱۳۹۱-۱۳۹۰ مشابه موسسه‌ی هم‌نوا می‌باشند اما از جهت شیوه‌ی آموزش با آن متفاوت هستند. از دو روش نمونه‌گیری استفاده شد. در گروه اول بخاطر کم بودن مراکز تحت آموزش شیوه‌ی هم‌نوا از همان مرکز استفاده شد و تمام کودکان پیش دبستانی که تحت آموزش شیوه‌ی هم‌نوا بودند (۱۵ نفر) مورد آزمایش قرار گرفتند. در گروه دوم برای اینکه محقق بتواند نتایج بررسی‌ها را تنها ناشی از متغیر مستقل بداند، از نمونه‌گیری هدفدار استفاده شد (۱۵ نفر). متغیر مستقل شیوه‌ی هم‌نوا می‌باشد و متغیر وابسته میزان خلاقیت است. از آزمون خلاقیت فرم تصویری b تورنس برای اندازه‌گیری خلاقیت دو مرکز استفاده شد. پژوهش به دنبال پاسخ این سوال بود که آیا بین خلاقیت کودکان پیش دبستانی تحت آموزش شیوه‌ی هم‌نوا و کودکان پیش دبستانی مراکز عادی تفاوت معناداری وجود دارد؟ نتایج تحلیل آماری داده‌های پژوهشی نشان داد:

بین بسط تفکر کودکان پیش دبستانی تحت آموزش شیوه‌ی هم‌نوا و کودکان پیش دبستانی مراکز عادی تفاوت معناداری وجود دارد.

بین اصالت تفکر کودکان پیش دبستانی تحت آموزش شیوه‌ی هم‌نوا و کودکان پیش دبستانی مراکز عادی تفاوت معناداری وجود دارد.

بین انعطاف‌پذیری تفکر کودکان پیش دبستانی تحت آموزش شیوه‌ی هم‌نوا و کودکان پیش دبستانی مراکز عادی تفاوت معناداری وجود دارد.

بین سیالی تفکر کودکان پیش دبستانی تحت آموزش شیوه‌ی هم‌نوا و کودکان پیش دبستانی مراکز عادی تفاوت معناداری وجود دارد.

بین خلاقیت کودکان پیش دبستانی تحت آموزش شیوه‌ی هم‌نوا و کودکان پیش دبستانی مراکز عادی تفاوت معناداری وجود دارد.

کلید واژه: شیوه‌ی هم‌نوا، خلاقیت، کودک پیش دبستانی

## فهرست مطالب:

۱۴.....	فصل اول(کلیات).....
۱۵.....	مقدمه.....
۱۹.....	بیان مسئله.....
۲۱.....	اهداف پژوهش.....
۲۲.....	پرسش های پژوهش.....
۲۲.....	فرضیه های پژوهش.....
۲۳.....	اهمیت و ضرورت تحقیق.....
۲۵.....	تعریف اصطلاحات.....
۲۵.....	تعریف نظری.....
۲۶.....	تعریف عملیاتی.....
۲۸.....	فصل دوم(ادبیات و مروری بر پیشینه ی تحقیق).....
۲۹.....	مقدمه.....
۲۹.....	آموزش و پرورش پیش از دبستان.....
۲۹.....	تاریخچه ی آموزش و پرورش پیش از دبستان در ایران.....
۳۰.....	تاریخچه ی آموزش و پرورش پیش از دبستان در جهان.....
۳۱.....	اهداف آموزش و پرورش پیش از دبستان.....
۳۲.....	رویکرد برنامه و فعالیت های دوره ی پیش دبستانی.....

- ۳۲..... اصول حاکم بر آموزش و پرورش دوره پیش دبستانی.....
- ۳۲..... ویژگی های عمومی کودکان پیش دبستانی (۳ تا ۶ ساله).....
- ۳۳..... خلاقیت چیست؟.....
- ۳۵..... تعریف خلاقیت.....
- ۳۵..... مفهوم خلاقیت از نظر صاحب‌نظران.....
- ۳۶..... چه چیزی خلاقیت نیست؟.....
- ۳۷..... خلاقیت در مکاتب و نظریه های مختلف.....
- ۳۷..... مکتب روانکاوی.....
- ۳۸..... مکتب انسان گرایی.....
- ۳۸..... مکتب عصب شناسی.....
- ۳۹..... مکتب تداعی گرایی.....
- ۳۹..... نظریه ی خلاقیت فطری.....
- ۳۹..... نظریه ی رفتارگرایی.....
- ۴۰..... دیدگاه روان سنجی.....
- ۴۰..... دیدگاه شناختی.....
- ۴۰..... دیدگاه روانشناسی اجتماعی.....
- ۴۱..... نظریه ی افزایش ذهنی.....
- ۴۱..... نظریه ی خلاقیت تایلور.....
- ۴۱..... نظریه ی نیروگذاری خلاقیت.....
- ۴۲..... نظریه ی سیستماتیک خلاقیت.....

۴۲	دیدگاه تورنس نسبت به آفرینندگی
۴۳	دیدگاه گانیه نسبت به آفرینندگی
۴۳	دیدگاه پیاژه نسبت به خلاقیت
۴۳۰	دیدگاه راشل و مارگارت مک میلان
۴۴	ضرورت و اهمیت آموزش خلاقیت به کودکان پیش دبستانی
۴۶	فرایند خلاقیت
۴۸	خلاقیت در کودکان
۴۹	خلاقیت در بزرگسالی
۴۹	رشد خلاقیت
۵۰	ویژگی های خلاقیت
۵۰	ویژگی های افراد خلاق
۵۲	روش های پرورش خلاقیت
۵۴	عوامل مرتبط با خلاقیت
۵۴	خلاقیت و جنسیت
۵۴	خلاقیت و هوش
۵۵	خلاقیت و انگیزه
۵۶	خلاقیت و خویشتن پذیری
۵۶	خلاقیت و عواطف
۵۷	خلاقیت و اطلاعات
۵۷	خلاقیت و خانواده

۵۸.....	خلاقیت و عوامل محیطی.....
۵۹.....	بازی و خلاقیت.....
۶۰.....	اهمیت نقش همسالان در خلاقیت کودکان.....
۶۰.....	نقش مربی در خلاقیت کودکان.....
۶۲.....	موانع بروز خلاقیت.....
۶۳.....	موانع ادراکی و احساسی.....
۶۳.....	موانع فرهنگی-محیطی.....
۶۳.....	موانع ذهنی.....
۶۳.....	موانع کلامی و ارتباطی.....
۶۴.....	موانع تاریخی.....
۶۴.....	موانع بیولوژیکی.....
۶۴.....	موانع فیزیولوژیکی.....
۶۴.....	موانع اجتماعی.....
۶۴.....	موانع خانوادگی.....
۶۵.....	موانع روانی.....
۶۵.....	آزمون های خلاقیت.....
۶۷.....	الگوی رجیو امیلیا.....
۶۹.....	مروری بر زندگی لوریس مالاگازی.....
۷۰.....	مبانی آموزش در رجیو امیلیا.....
۷۵.....	نگاه رجیو امیلیا به کودک.....

منابع اندیشه و مبانی نظری و روانشناسی رویکرد رجیو امیلیا.....	۷۷
محاسن و معایب رویکرد رجیو امیلیا.....	۸۰
همنوا چیست؟.....	۸۱
همنوا از چه روش هایی استفاده می کند؟.....	۸۳
فعالیت های موسسه ی همنوا.....	۸۳
تحقیقات انجام شده در ایران.....	۸۷
تحقیقات انجام شده در خارج از ایران.....	۸۹
فصل سوم(روش شناسی تحقیق).....	۹۲
مقدمه.....	۹۳
روش تحقیق.....	۹۳
طرح تحقیق.....	۹۳
جامعه ی آماری.....	۹۳
نمونه و حجم نمونه.....	۹۴
متغیرهای تحقیق.....	۹۴
ابزار اندازه گیری.....	۹۴
روش اجرا.....	۹۶
روش های تجزیه و تحلیل.....	۹۶
فصل چهارم(تجزیه و تحلیل آماری).....	۹۷
فصل پنجم(بحث و نتیجه گیری).....	۱۰۷
مقدمه.....	۱۰۸

۱۰۸.....	فرضیه ی اصلی.....
۱۱۰.....	فرضیه های فرعی.....
۱۱۰.....	فرضیه ی اول.....
۱۱۱.....	فرضیه ی دوم.....
۱۱۲.....	فرضیه ی سوم.....
۱۱۳.....	فرضیه ی چهارم.....
۱۱۴.....	بحث و نتیجه گیری.....
۱۱۴.....	محدودیت ها.....
۱۱۵.....	پیشنهادات پژوهشی.....
۱۱۵.....	پیشنهادات کاربردی.....
۱۱۷.....	منابع.....
۱۲۴.....	پیوست.....

## فهرست جداول:

- جدول (۴-۱): جدول ضرایب همبستگی بین سطوح متغیر وابسته..... ۹۸
- جدول (۴-۲): داده های توصیفی مربوط به شیوه ی آموزش همنوا و عادی در سطوح مختلف خلاقیت..... ۹۹
- جدول (۴-۳): آزمون معناداری همگنی واریانس - کواریانس..... ۱۰۳
- جدول (۴-۴): جدول معناداری تاثیر سطوح متغیر مستقل در ترکیب خطی متغیر وابسته..... ۱۰۴
- جدول (۴-۵): معناداری یکسانی واریانس ها..... ۱۰۴
- جدول (۴-۶): مقایسه سطوح مختلف خلاقیت در شیوه آموزشی همنوا و عادی..... ۱۰۵

## فهرست نمودارها:

- نمودار(۴-۱): داده های توصیفی مربوط به بسط تفکر در شیوه ی آموزشی همنوا و عادی..... ۱۰۰
- نمودار(۴-۲): داده های توصیفی مربوط به اصالت تفکر در شیوه آموزشی همنوا و عادی..... ۱۰۱
- نمودار(۴-۳): داده های توصیفی مربوط به انعطاف پذیری تفکر در شیوه ی آموزشی همنوا و عادی..... ۱۰۲
- نمودار(۴-۴): داده های توصیفی مربوط به سیالی تفکر در شیوه آموزشی همنوا و عادی..... ۱۰۳

# فصل اول

کلیات پژوهش

## مقدمه:

آموزش و پرورش پیش دبستانی عبارت است از آموزشی که از زمان تولد آغاز و تا شروع اولین کلاس رسمی در دبستان در پایان ششمین سال زندگی کودک ادامه می یابد. در چنین سال هایی کودکان یکی از مراحل مهم و حساس زندگی خود را از جهات شخصیتی، اجتماعی و آموزشی پشت سر می گذارند. آموزش و پرورش در مرحله ی پیش از دبستان از دیرباز در کشور ما به عنوان یک مرحله ی آموزشی مطرح بوده است. مسئله ی تعلیم و تربیت کودکان در سال های اولیه که باید آن را سال های زندگی و تشکیل دهنده ی بسیاری از صفات و خصوصیات کودک نامید از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است (مفیدی، ۱۳۸۴).

به جرأت می توان گفت دوران کودکی یکی از موثرترین دوران زندگی انسان ها است که شخصیت آدمی در این دوران سامان می گیرد. تعلیم و تربیت از جمله موضوعاتی است که فکر اکثر مردم به خصوص دانشمندان، مربیان و والدین را به خود مشغول داشته است و از آنجا که پی بردن به رمز و رازهای تعلیم و تربیت دشوار می نماید، تئوری ها، نظریه ها و سلیقه های مختلفی درباره ی آن عنوان شده است (حسابی، ۱۳۸۷).

نگاهی گذرا به تغییرات و تحولات آموزش و پرورش پیش از دبستان در طول بیش از نیم قرن گذشته نشانگر آن است که وجهه نظرهای شخصی در این امر بیش از حقایق علمی و عینی مسلّم و غیر قابل انکار موثر بوده است، تا آنجا که، زمانی آموزش و پرورش پیش دبستانی آنقدر کم اهمیت تلقی می گردد که سرمایه گذاری منحصر به بخش غیر دولتی می شود، طبیعی است که وقتی فعالیت در مرحله ی آموزش و پرورش محدود به بخش غیر دولتی باشد و از طرف بخش دولتی هم نظارت و ارزشیابی دقیقی اعمال نشود، برنامه ها تحت تاثیر سلیقه ها و نظرات شخصی قرار می گیرد و از خط مشی صحیحی پیروی نمی کند. گاهی می بینیم که در گذشته موضوعی به حدی مورد توجه قرار

می گیرد که آموزش قبل از دبستان هسته ی اصلی برنامه ی آموزش ابتدایی را تشکیل می دهد و دولت در این راه ناگزیر به سرمایه گذاری می شود. در هر حال مسئله ی آموزش و پرورش پیش از دبستان که گاه به صورت کودکان غیر دولتی در گذشته و کلاس های آمادگی وابسته به دبستان در سال های اخیر حل و فصل گردیده است هیچ گاه از یک برنامه ریزی آموزشی صحیح و علمی برخوردار نشده و در هر گوشه ای از کشورمان به صورتی خاص و طبق ذوق و سلیقه ی شخصی افراد اداره گردیده است. ولی آنچه مهم است و کمتر درباره ی آن فکر شده، این موضوع است که آموزش و پرورش پیش از دبستان خود مرحله ای است برای رشد قوای جسمی، ذهنی، عاطفی، اعتقادی و اجتماعی کودک آن هم به طور هماهنگ و متعادل و نه به صورت جدا و منفک از هم (مفیدی، ۱۳۸۴).

آموزش هنرها و شکوفایی خلاقیت هنری و تحسین زیبایی ها و تربیت ذوق کودکان نیز لازمه ی شکل گیری شخصیت سالم آنهاست. کودکان خردسال در حرکات و صداها ی موزون و در نقاشی ها و بازی های نمایشی و کارهای سازنده ی خویش نشان می دهند که طبیعتاً به هنرها عشق می ورزند و خود نیز دارای خلاقیت هنری هستند. هرگاه کوشش های هدفدار و منطبق بر امکانات کودکان برای شکوفایی هنری آنها صورت گیرد، رشد هنری و قدرت سازندگی خلاقانه ی آنها را موجب خواهد شد. بازی های کودکان نیز که ضرورتی برای رشد آنان است وسیله ی مهمی در تربیت جسم و روح و اندیشه و مهارت های گوناگون کودکان، به ویژه کودکان خردسال است. بازی و آموزش و کار سازنده را باید به عنوان سه جزء مهمتر تربیت کودکان دانست. هنر مربی گری و تربیت کودکان، در تلفیق و کاربرد صحیح همین سه عامل است (نیکنامی، ۱۳۸۲).

مربانی که با کودکان پیش دبستانی سر و کار دارند نباید صرفاً توجه خود را به محتوای آموزشی معطوف دارند، بلکه مهمتر از آن، این است که باید به روشی که از طریق آن آموزش ها به کودک القا می گردد و نقش هر یک از آنها، توجه بیشتری داشته باشند (اطهاری، ۱۳۷۹).

پرورش مهارت های خلاقیت و زیبایی شناسی در کودکان، به مربیانی کار آزموده و متعهد نیاز دارد که خود به درجاتی از حس زیبایی شناسی در جهان اطراف نایل آمده باشند. لازمه ی رشد آگاهی های خلاقانه و زیبایی شناختی، کمک به کودکان برای ایجاد ارتباط و بیان احساسات با استفاده از ابزارهایی مانند اشعار و سرودها، هنر، نمایش و داستان گوئی و بسط احساسات به جهان اطراف است (همان).

اما از مسائل مهم آموزشی و پرورشی که در رشد شخصیت و شکوفایی ظرفیت های خدادادی کودکان بسیار موثر و حائز اهمیتند عبارتند از: چگونگی کار با کودکان از آغاز ورود به کودکستان، چگونگی ارتباط کودکستان با اولیای کودکان و وظایف آموزشگاه و والدین در قبال یکدیگر، مسائل مربوط به ارزیابی آموزشی و پرورشی کودکان و بسیاری موارد دیگر که به ویژه با توجه به ضعف های آموزش و پرورش پیش دبستانی در کشور ما، باید مورد عنایت همه جانبه ی والدین، مربیان، مدیران و مسئولان آموزشی و متخصصان تعلیم و تربیت کودکان باشد.

کودکان کودکستانی و دبستانی ما به آموزشگاه ها و مربیان بسیار بهتری از آنچه که فعلا دارند، نیازمندند. اگر قرار باشد به همین روالی که فعلا معمول است ادامه دهیم، یعنی در کودکستان ها از بچه ها نگهداری کنیم بدیهی است مشکلات ما، همان طور که فعلا شاهد هستیم، باز هم بیشتر خواهد شد.

همچنین در کشور ما تعداد مراکزی که از چندین الگو همچون الگوی مونته سوری<sup>۱</sup>، والدورف<sup>۲</sup>، مشارکتی<sup>۳</sup>، رجیو امیلیا<sup>۴</sup>، گاردنر<sup>۵</sup> و غیره به طور همزمان استفاده می کنند، بسیار است.

اما ناشناخته بودن این الگوها و ناقص بودن اطلاعات درمورد آنها در ایران موجب شد که گزیده هایی از هر الگو در آموزش کودکان شکل بگیرد. چندین سال است که وسایل مونته سوری جسته و گریخته در ایران تکثیر شده و به مهدهای کودک راه پیدا کرد. همچنین الگوی پیاژه به واسطه ی تلاش عده ای از متخصصان معرفی و فعالیت های آن وارد مهدهای کودک ما شد. بدین ترتیب بدون هیچ هماهنگی وسایل مونته سوری، با تصویر ناقصی از الگوی

---

1. Maria Montessori

2. Waldorf

3. Participation

4. Reggio Emilia

5. Gardner

پیاژه، در مجموعه ی جدیدی جا گرفت. متاسفانه کمبود دانش علمی و تخصصی از سوی گروهی از کارشناسان این فضا را به وجود آورد که در امر آموزش کودکان می توان از روش تلفیقی استفاده کرد. روش پیاژه که بیش از هر چیز مبتنی بر کار فعال، آزاد و کودک محور بود، تبدیل به جریان آموزشی از نوع رفتارگراها شد. وسایل مונته سوری که نیاز به درک تنوع برای کارکرد هر وسیله داشت، تبدیل به یک موضوع مشخص یا غیر قابل تغییر شد.

این تلفیق ها بیش از هر چیز خبر از فقدان درک سیستم ها و رویکردهای آموزشی در سرزمین ما دارد. گروه بزرگی از دست اندرکاران آموزش و پرورش این سرزمین نه تنها شناختی از تنوع الگوها و رویکردهای آموزشی ندارند، بلکه ادراکی نیز از مفهوم رویکرد ندارند و اینکه چرا نمی توان رویکردها را با هم تلفیق کرد و چرا لازم است که در آموزش به رویکردی اعتقاد داشت و بر اساس آن پیش رفت (یوسفی، ۱۳۸۹).

اگرچه اکثر موسسات آموزش کودکان زیر هفت سال در تهران، برنامه های آموزشی را بر اساس علایق و امکانات خود ارائه می دهند، تعداد محدودی از مراکز آموزشی با الهام از نوعی از الگوهای تربیتی به رشد کودکان می اندیشند. از آن جمله موسسه آموزشی " همنا " می باشد که بر اساس رویکرد " رژیو امیلیا " فعالیت می کند.

در رژیو امیلیا برنامه ی از پیش طراحی شده ای وجود ندارد و این بدان معنی است که مربی و سیستم آموزشی به تاثیرگذاری کودکان بر آنچه قرار است یاد بگیرند معتقدند و می دانند که لحظات، آبستن زیبایی ها و پیچیدگی هایی است که نباید از دست داد (ترقی جاه، ۱۳۸۷).

## بیان مسئله:

آموزش و پرورش نیز مانند بسیاری دیگر از امور زندگی، پیوسته در حال تغییر و تحول است، از این رو مسئولان تعلیم و تربیت یک جامعه به خصوص معلمان و مربیان که مسئول تربیت کودکان و نوجوانان بر اساس نیازهای جامعه‌ی خود هستند باید به تحولات سریع تعلیم و تربیت و روش‌های تازه‌تر و پیشرفته‌تر آگاهی یافته و راه به کار بردن این روش‌ها را در رسیدن به هدف‌ها بدانند و به آن عمل نمایند. آموزشگاه‌ها و مربیان، باید همگام با تغییراتی که در جهت نیازهای جامعه روی می‌دهد، روش کار خود را اصلاح و یا تغییر داده و روش بهتر و موثرتری را در پیش گیرند (مفیدی، ۱۳۸۶).

پژوهش‌های اخیر نشان داده است که اگر در این مرحله‌ی رشد نسبت به کودک از نظر جسمی، روانی و تربیتی غفلت و کوتاهی شود در مراحل بعدی تنها پنجاه درصد از این کوتاهی را می‌توان جبران کرد و پنجاه درصد دیگر هرگز جبران نمی‌شود (کمالوندی، ۱۳۸۹).

بیشتر کسانی که در این راه تحقیق کرده‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که تجربیات آموزش‌های پیش دبستانی برای کودکان می‌تواند حداکثر شرایط رشد و پیشرفت را در اختیار کودک بگذارد. خلاقیت هم مانند سایر استعدادهای بشری برای رشد و شکوفایی نیاز به دو شرط اساسی دارد:

الف) وجود استعداد که البته در تمامی کودکان اما با تفاوت‌های کم و زیاد وجود دارد.

ب) محیط مناسب برای رشد و شکوفایی آن استعداد (کرمی، ۱۳۸۲).

" تورنس <sup>۱</sup> " بر سال های پیش دبستانی که نقطه ی اوج رشد است، تاکید می ورزد، او پیشنهاد می کند که کودکان بین چهار تا چهار و نیم سالگی به نقطه ی اوج خلاقیت می رسند و به دنبال آن کاهش درخلاقیت فرد در حدود پنج سالگی رخ می دهد. کاهش درخلاقیت به عنوان یک پدیده ی رشی که به لحاظ ماهیت رشد غیرقابل اجتناب است در نظر گرفته می شود. اما شاخص های جدید نشان دهنده ی آن است که این کاهش یک مسئله ی مربوط به ریش نمی باشد، محدود کردن خلاقیت به بهترین وجه به عنوان یک اثرمحیطی و نه یک اثرذاتی مشخص می شود (قاسم زاده، ۱۳۸۱).

پژوهش های اخیر " برد کمپ <sup>۲</sup> " (۱۹۸۷) پیشنهاد می کند که کودکان در صورت برخورداری از یک محیط برانگیزاننده و پرورش دهنده در زمینه ی خلاقیت، از خود رشد و نمو نشان می دهند (طالب زاده، ۱۳۸۵). حال مسئله این است: چه باید کرد که محیط های آموزشی، خلاقیت کودکان را محدود نکنند بلکه رشد و گسترش آن را موجب شوند؟ چگونه می شود که یک مرکز آموزشی (موسسه ی همنوا) از رویکردی خاص درارتباط با کودکان استفاده می کند و استفاده ای اینچنین، چگونه خلاقیت کودکان را تحت تاثیر قرار می دهد؟ پس پژوهش حاضر بر آن است تا خلاقیت کودکان پیش دبستانی تحت آموزش شیوه ی همنوا را با خلاقیت کودکان پیش دبستانی مراکز عادی مورد مقایسه قرار دهد.

---

<sup>۱</sup>.Torranc

<sup>۲</sup>.Bread Camp